

شده است. در آزادی اخیر بیش از ۷۰ زندانی، تنها یک‌زن آزاد شد.» این روزنامه‌نگار می‌گوید که دولت مادورو از سرکوب گزینشی برای خاموش کردن صدای مخالفان استفاده می‌کند، شامل بازداشت‌های خودسرانه، ناپدیدسازی‌های کوتاه‌مدت، شکنجه و اعدام‌های فرافضایی، و برای این تخلفات مصونیت گسترده‌ای وجود دارد: «آزادی‌بیان و تجمع هم به‌شدت محدود شده و روزنامه‌نگاران و مدافعان حقوق بشر با تهدید، آزار و جرم‌انگاری فعالیت‌هایشان مواجه‌اند. سازمان‌های جامعه مدنی زنان هدف حملات فزاینده‌اند و زنان بازداشت‌شده، به‌ویژه در جریان اعتراضات، با توهین‌های جنسیتی، تحقیر عمومی و خشونت جنسی و جنسیتی مواجه می‌شوند، از جمله برهنه‌سازی اجباری و تهدید به تجاوز.»

ریس همچنین وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور را بحرانی توصیف می‌کند: «سیاست‌های مادورو نابرابری را تشدید کرده‌اند و بحران انسانی همچنان ادامه دارد، به‌طوری‌که برنامه جهانی غذا (WFP) سازمان ملل مجبور به مداخله شده است. کشور با ابرتورم، رکود اقتصادی، کمبود کالاهای اساسی، افزایش بیکاری، فقر، بیماری، مرگ‌ومیر کودکان و سوءتغذیه مواجه است. بیش از ۸ میلیون ونزوئلایی، کشور را ترک کرده‌اند و حدود ۱۹ میلیون نفر به خدمات پایه بهداشتی و تغذیه دسترسی ندارند.» به گفته ریس، راهکارهای بهبود وضعیت زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر در ونزوئلا نیازمند سیاست‌هایی است که تفاوت‌های جنسیتی را به‌رسمیت بشناسند و حمایت‌های ویژه‌ای برای آزادی زندانیان سیاسی، آموزش و منابع حمایتی برای زنان ارائه شود. پیام لوس ملی ریس، برای زنان و فعالان حقوق بشر ونزوئلا روشن است: در کشوری با دیکتاتوری، حمایت همه‌بخش‌های جامعه برای حفظ دموکراسی ضروری است. او تأکید می‌کند که در چنین شرایطی، آینده فمینیسم و حقوق زنان با چالش‌هایی مانند قطعی‌سازی سیاسی، نفوذ گروه‌های مذهبی و کمبود منابع مالی برای سازمان‌دهی مواجه است: «ونزوئلا برای بازپس‌گیری دموکراسی می‌جنگد و به حمایت همه‌ی آزادی‌خواهان جهان نیاز دارد. نمی‌توان صلحی اقتدارگرایانه و مبتنی بر ترس را پذیرفت؛ تنها در دموکراسی می‌توان عدالت اجتماعی و صلح واقعی را در جهان گسترش داد.»

◀ دوباره آرزوهای آلفرد نوبل را مرور کنید

این سرورزنامه‌نگار و فعال زنان با توصیف وضعیت زنان در ونزوئلا از مقاومت و مبارزه‌شان برای ایجاد تغییرات گفتند و معتقدند، زنان و دیگر مردم این کشور نیازی به دخالت‌های خارجی ندارند آنطور که مارینا ورینا ماچادو به‌عنوان برنده جایزه نوبل صلح به آن امیدوار است.

گراسیلا روزنامه‌نگار مکزکی می‌گوید اعطای جایزه صلح نوبل فرصتی است برای تأمل در معنای «صلح» در جامعه؛ به‌باور مناو این گفت‌وگویی گسترده و طولانی است که شامل بازنگری در معیارهای این جایزه هم می‌شود: «بنیادی که آلفرد نوبل پایه‌گذاری کرد، گسترده است و در گذر زمان، مفهوم «صلح» از پایان جنگ‌ها فراتر رفته و شامل عدالت اجتماعی، حقوق بشر، برابری جنسیتی، جابه‌جایی و خشونت‌ساختاری هم شده است. از نظر من، معیارها باید شامل موارد زیر باشند: سابقه قابل اثبات در پیشبرد صلح، حقوق بشر، شمول، عدم خشونت و عدالت. شواهدی از تأثیر مثبت بر جمعیت‌های آسیب‌پذیر و به‌حاشیه‌رانده‌شده (زنان، کودکان، اقلیت‌ها) و انسجام اخلاقی: کار اثبات‌شده در زمینه آشتی، پاسخگویی و تغییر ساختاری، نه‌فقط کنش‌های نمادین.»

او می‌گوید اعطای این جایزه به افرادی که از سیاست‌های بحث‌برانگیز حمایت می‌کنند، چند اثر دارد: «ممکن است اقتدار اخلاقی جایزه را تضعیف کند، جنبش‌ها و فعالان مردمی را از هم دور یا دچار دوقطبی کند و این پیام را بفرستد که هم‌سویی با قدرت سیاسی مهم‌تر از کار مداوم در راستای صلح است.»

ماریا، روزنامه‌نگار و فمینیست ونزوئلایی هم می‌گوید، وصیت‌نامه‌ای از آلفرد نوبل وجود دارد که در آن نوشته است، جایزه‌ی صلح باید به شخصی اعطا شود که بیشترین یا بهترین تلاش را برای برادری میان ملت‌ها، حذف یا کاهش ارتش‌های دائمی، و تشکیل و گسترش کنگره‌های صلح انجام داده باشد. باور او اما، برنده جایزه‌ی صلح سال ۲۰۲۵ نه تنها به برادری میان ملت‌ها یا کنگره‌های صلح باور ندارد، بلکه با‌رها خواستار تهاجم مسلحانه به کشور خود شده است: «شاید بهتر باشد کمیسیونی که جوایز را اعطا می‌کند، دوباره آرزوهای آلفرد نوبل را مرور کند.» او می‌گوید اعطای جایزه به خانم ماچادو درواقع پشتیبانی نمادین از سیاست‌هایی است که او از آن‌ها دفاع می‌کند: «خصوصی‌سازی تمام صنایع راهبردی مانند انرژی، معدن، آب، ارتباطات و...، واگذاری کامل قراردادها به شرکت‌های آمریکایی بدون هیچ محدودیتی و تسلیم حاکمیت ملی در برابر منافع ایالات‌متحده. همدلی او با خاورمیله، رژیم صهیونیستی به‌ویژه ترامپ هم جای هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد.»

لوس، دیگر فعال و روزنامه‌نگار ونزوئلایی هم به‌نقل از منتقدان می‌گویند این جایزه «ایزراهایی از سیاست بین‌الملل را مشروعیت می‌بخشد که در تضاد با صلح هستند؛ مانند تحریم‌ها، اجبار، و مداخله نظامی خارجی و به این سیاست‌ها «پوشش اخلاقی» می‌دهد که ممکن است فراخوان‌های خشونت‌آمیز برای تغییر رژیم را تشدید کند: «این وضعیت به یک بحران مشروعیت برای خود جایزه صلح نوبل تبدیل شده است، چرا که عده‌ای آن را ابزاری برای مشروعیت‌بخشی ژئوپلیتیکی می‌دانند، نه نشانه‌ای از صلح واقعی.»

به زنان ونزوئلایی می‌گوید: «کار شما اهمیت دارد، حتی در تبعید، در تهدید یا در جابه‌جایی اجباری، صدای شما، تحقیقات شما و پایداری شما حیاتی است. شبکه بسازید، داستان‌های‌تان را به اشتراک بگذارید، صدای یکدیگر باشید. شما تنها نیستید.» او آینده‌ای را متصور است که در آن مفهوم صلح و دموکراسی، فراتر از پایان درگیری‌های سیاسی باشد و عدالت جنسیتی، حقوق مهاجرت و آزادی رسانه‌ها را نیز دربرگیرد: آینده‌ای‌که در آن، زنان و فعالانی که مجبور به ترک کشور شده‌اند، بتوانند با امنیت بازگردند. راک در پایان تأکید می‌کند که صلح واقعی، بدون عدالت ممکن نیست: «اگر نابرابری‌های ساختاری، خشونت جنسیتی، تبعیض و طرد را برطرف نکنیم، هر صلحی شکننده خواهد بود. سرمایه‌گذاری بر حقوق زنان و آزادی‌بیان، پروژه‌ای فرعی نیست، بلکه رکن اصلی ساخت جوامعی است که صلح‌آمیز، پایدار و آزادند.»

◀ ما خودمان ونزوئلا را می‌سازیم

از دیدگاه فمینیستی عدالت‌محور، دعوت به اقداماتی که زنان، کودکان و جوامع فقیر را فقیرتر و آسیب‌پذیرتر می‌کند، با مفهوم صلح و عدالت هم‌خوان نیست. صلح فمینیستی و ضداستعماری در جهت حفظ جان‌ها، کاهش رنج و توانمندسازی مردم محلی تلاش می‌کند نه در جهت افزودن بر خشونت ساختاری و این با نظر «ماریا سنتینو»، هنرمند تجسمی، معمار و کنشگر فمینیست ونزوئلایی هم، هم‌خوان است. او از بنیان‌گذاران دو مجله در حوزه حقوق زنان و از اعضای شبکه فمینیستی La Araña Feminista (عنکبوت فمینیستی) است؛ شبکه‌ای از سازمان‌های مردمی که برای عدالت جنسیتی در ونزوئلا و آمریکای لاتین فعالیت می‌کنند. سنتینو درباره انگیزه‌هایش از ورود به عرصه کنشگری می‌گوید: «در ونزوئلا، در سراسر قاره آمریکا و حتی در تمام جهان، ما هوای پدرسالارانه را مانند گازی سمی تنفس می‌کنیم، بدون آن که متوجه باشیم.»

به گفته سنتینو، زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر در ونزوئلا مسیر مبارزه خاص خود را دارند: «ما برای حق پایان‌دادن به بارداری ناخواسته، یا حق ازدواج، فرزندپذیری و حقوق زکین کمانی‌ها می‌جنگیم. اما نمی‌خواهیم کسی از بیرون این حقوق را به ما بدهد. امروز زنان ونزوئلایی حضور پررنگی در جامعه دارند و این ادامه خواهد داشت.» او معتقد است که اگر بیش از هزار تحریم غیرقانونی بین‌المللی علیه کشورش وجود نداشت، زندگی زنان به‌مراتب بهتر می‌بود؛ موضوعی که اعطاکندگان جایزه نوبل صلح به ماچادو آن را در نظر نگرفتند؛ کسی که با اتاق‌های فکر آمریکایی همکاری داشته و از تحریم‌های اقتصادی شدید علیه ونزوئلا حمایت کرده است؛ تحریم‌هایی که به‌گفته گزارش‌های سازمان ملل، به‌طور نامتناسب بر اقشار آسیب‌پذیر اثر گذاشته‌اند و بحران انسانی را تشدید کرده‌اند. ماریا می‌گوید، جامعه بین‌المللی نباید در امور داخلی آنها دخالت کند: «نخست باید با ورشکستگی اخلاقی خود روبه‌رو شود؛ همان چیزی که به آن اجازه می‌دهد نسل‌کشی‌ها را نادیده بگیرد، درحالی‌که تظاهر به داشتن ارزش‌های کند.»

ماریا سنتینو، که خود را بخشی از جنبش جهانی زنان می‌داند، پیامی روشن برای فعالان دارد: «ما باید متحد شویم تا جهانی برابرتر و عادلانه‌تر بسازیم. نظام قدیمی دیگر کارایی ندارد. باید جهانی نو خلق کنیم، جهانی بدون زرسالاران، بنیادگرایان و زورگویان. جهانی با دموکراسی واقعی و بدون سلطه.» او آینده فمینیسم در ونزوئلا را «درخشان» می‌بیند و در پایان گفت‌وگویش، پیامی جهانی می‌فرستد: «مردمان خوب سراسر جهان! متحد شویم و علیه نابرابری، تبعیض جنسیتی، پدرسالاری، میلیاردها، مجرمان اقلیمی، زورگویان، پادشاهان خودخواه، بنیادگرایان و روان‌پریشان نسل‌کش مبارزه کنیم تا آینده‌ای قابل زیست برای تمام موجودات زمین بسازیم.»

◀ سرکوب، تبعیض و مقاومت زنان

«لوس ملی ریس»، روزنامه‌نگار ونزوئلایی و یکی از بنیان‌گذاران رسانه دیجیتال Effecto Cocuyo، از رسانه‌هایی است که رپوردر جنسیتی دارد و توسط سه زن تأسیس شده است. این رسانه تمرکز خود را بر حقوق بشر از جمله حقوق زنان، قرار داده و تمام پوشش‌ها و ابتکارات آن دارای دیدگاه جنسیتی‌اند. ریس توضیح می‌دهد که فعالیت حرفه‌ای او همیشه در پیوند با حقوق زنان بوده است و او به‌خوبی با موانعی که زنان را از اعمال کامل حقوق‌شان بازمی‌دارد، آشناست: از جمله حق زندگی بدون خشونت، استقلال اقتصادی و توانایی مدیریت زندگی. به گفته او، تجربه زندگی در کشوری که دموکراسی خود را از دست داده، موجب‌شده موضعی آشکارتر در دفاع از حقوق روزنامه‌نگاران و نمایان‌سازی رهبران زن و نقض حقوق بشر علیه زنان اتخاذ کند.

ریس می‌گوید، براساس گزارش‌های هیئت‌حقیقت‌یاب مستقل سازمان ملل متحد، در ونزوئلا فعالان زن در این کشور مورد تعقیب و آزار قرار می‌گیرند: «نمونه بر جسته آن، روسیو سان میگل، مدافع حقوق بشر است که بیش از یک‌سال در زندان بوده و قربانی ناپدیدسازی اجباری



«ماریا سنتینو»

هنرمند تجسمی، معمار و کنش‌گر فمینیست اهل ونزوئلا:

اعطای جایزه نوبل به ماریا کورینا ماچادو، چون پتکی بر سر بسیاری از گروه‌های حقوق بشری، سازمان‌های زنان و مردم عادی فرود آمد

تصمیم گرفته بودند از راه رأی‌دادن دموکراسی را بازگردانند. ماچادو به‌خاطر همین تلاش‌ها مورد تقدیر قرار گرفت و این شایستگی غیرقابل انکار است. در این معنا، او استحقاق دریافت جایزه‌ی نوبل را داشت.» لوس، تقدیم این جایزه به ترامپ را یک تصمیم استراتژیک و محاسبه‌شده می‌داند و می‌گوید، انتقادات در این باره قابل توجه‌اند: «اما باید بگویم که ماریا کورینا ماچادو هرگز از نسل‌کشی در غزه حمایت نکرده است. او به‌نظر می‌رسد با «نتانیاهو» روابط نزدیکی داشته باشد، اما تا به حال نشانه‌ای از تأیید اقدامات او از سوی ماچادو ندیده‌ام.» او می‌گوید اگر فردی با دیدگاه‌های مناقشه‌برانگیز در برهه‌ای از زندگی خود بتواند معیارهای کمیته‌ی نوبل را برآورده کند، این نشان‌دهنده آن است که انسان‌ها می‌توانند رفتار خود را تغییر دهند و باید فرصت اصلاح داشته باشند.

▼ صدای یکدیگر باشید، شما تنها نیستید

در کارزار اعتراض زنان در ونزوئلا، تصویر زنی که با گُلّی سفید و فریاد «آزادی» مقابل صف یگان‌های نظامی ایستاده است، نماد درد دوگانه‌ای شده؛ نه‌تنها مبارزه برای دموکراسی و حقوق مدنی، بلکه خواست زنان برای نجات زندگی، بدن، خانواده و آینده شان در کشوری که زیر فشار اقتصادی و سرکوب بی‌امان قرار دارد. ده‌ها هزار زن روزهای ۶ مه ۲۰۱۷ در کاراکاس متحد شدند، تی‌شرت سفید پوشیدند، سرود ملی خواندند و با شعارهایی مثل «ما آزادی می‌خواهیم!» علیه سیاست‌های نیکلاس مادورو دولت‌اوبه خیابان‌امدند. از آن زمان تا امروز، این حضور زنانه نه‌تنها در خیابان‌ها ادامه داشته بلکه مطالبه‌هایی چون حق تصمیم‌گیری درباره بدن، آزادی از خشونت و مشارکت واقعی در فضای سیاسی هم بر جسته‌شده است. در این میان زنان ونزوئلا در برابر سیستمی می‌ایستند که هم اقتصادی آن‌ها را هدف قرار داده و هم با تنگ‌کردن عرصه عمومی، آنان را از حق مطالبه و دیده‌شدن محروم کرده است.

«گراسیلا راک»، از چهره‌های برجسته در عرصه روزنامه‌نگاری در مکزیک با رویکرد جنسیتی است. راک که رسانه‌اش در زمینه روزنامه‌نگاری فمینیستی، تحلیل سیاست‌های عمومی و تقویت صدای زنان فعالیت می‌کند، می‌گوید مأموریت آن‌ها آموزش روزنامه‌نگاران با رویکرد جنسیتی، تحقیق درباره خشونت ساختاری علیه زنان و تقویت پیوند میان کنشگری فمینیستی و پاسخگویی رسانه‌ای است. این رسانه همچنین از شبکه‌های فرامرزی زنان ارتباط‌گر پشتیبانی می‌کند و با انتشار گزارش‌های تحقیقی، برگزاری میزگردها و تعامل با جامعه‌ی مدنی، به آشکارسازی نابرابری‌های ساختاری در منطقه می‌پردازد.

به‌باور راک، بحران ونزوئلا تنها مسئله‌ای ملی نیست، بلکه نمود گسترده‌ای از سرکوب ساختاری در سراسر آمریکای لاتین است. او تأکید می‌کند که «مبارزات فمینیستی، فراملی‌اند»، زیرا مشکلاتی مانند تبعید اجباری، محدود شدن فضای مدنی و تأثیرات جنسیتی سرکوب و جابه‌جایی، رمز نمی‌شناسند. او با توجه به وضعیت روزنامه‌نگاران زن ونزوئلایی که در سال‌های اخیر با تهدید، سانسور یا تبعید مواجه‌شده‌اند، هشدار می‌دهد که این روند نه‌تنها آزادی‌بیان، بلکه دموکراسی و برابری جنسیتی را در سراسر منطقه تضعیف می‌کند. براساس گزارش‌های متعدد حقوق بشری که راک به آن‌ها استناد می‌کند، وضعیت در ونزوئلا «به‌طور فزاینده‌ای خصمانه و نگران‌کننده» است. محدودیت آزادی مطبوعات، بازداشت خودسرانه روزنامه‌نگاران، لغو گذرنامه‌ی فعالان و تبعید اجباری منتقدان از جمله مصادیق این سرکوب است. این شرایط به گفته او، برای زنان فعال در عرصه رسانه دوچندان آسیب‌زاست؛ زیرا آنان علاوه بر فشار سیاسی، با هزینه‌های روانی و حرفه‌ای سنگینی مواجه می‌شوند.

راک، بحران کنونی را نتیجه‌ی مجموعه‌ای از عوامل ساختاری می‌داند. از نگاه او چهار عامل اصلی وضعیت امروز ونزوئلا را توضیح می‌دهد: «سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد که منجر به ابرتورم، فروپاشی خدمات عمومی و گسترش فقر شده و بیشترین فشار را بر زنان به‌ویژه در نقش‌های مراقبتی وارد کرده است؛ نبود تکنر سیاسی و پاسخگویی که زمینه فساد و خشونت سیاسی را فراهم کرده، موج گسترده مهاجرت که در بسیاری موارد زنان را در کشور باقی می‌گذارد تا بار خانواده و مراقبت را به‌تنهایی بر دوش بکشند و دستگاه سرکوب دولتی که علیه هر صدای منتقد و مخالف به کار گرفته می‌شود.» به باور او، برای بهبود وضعیت زنان و گروه‌های آسیب‌پذیر در ونزوئلا باید سه راهبرد کلیدی دنبال شود: «نخست، تقویت شبکه‌های منطقه‌ای و جهانی زنان برای اعمال فشار بر دولت در راستای اصلاحات و ایجاد سازوکارهای بین‌المللی پاسخگویی، همراه با حمایت از شبکه‌های محلی از طریق آموزش و تأمین منابع. دوم، ایجاد برنامه‌های حمایتی ویژه برای روزنامه‌نگاران زن در تبعید، شامل مشاوره حقوقی، پشتیبانی روانی و دسترسی به منابع معیشتی و سبوم، اطمینان از اینکه سیاست‌های بشردوستانه و مهاجرتی دارای بُعد جنسیتی باشند؛ از سلامت باروری گرفته تا اشتغال شایسته و حمایت در برابر خشونت جنسیتی.»

گراسیلا راک در پیام خود

خبرسازان



احیای تالاب با همکاری چینی‌ها

با دستور رئیس جمهور همکاری‌های ایران و آکادمی علوم چین در حوزه آب و محیط‌زیست وارد مرحله اجرایی شد. تالاب صالحه‌اله‌آباد به‌عنوان پایلوت این همکاری مشترک انتخاب و مورد تأیید عالی‌ترین مقام اجرایی کشور قرار گرفت. به گزارش ایلنا، در پی مستندسازی فنی و کارشناسی دبیرخانه‌ستاد ملی سیاست‌گذاری و هماهنگی مدیریت پدیده گردوغبار و مکاتبه رسمی سازمان برنامه و بودجه با ریاست جمهوری، پروژه مشترک احیای تالاب صالحه با هدف مهار کانون‌های فعال گردوغبار، بهبود رژیم هیدرولوژیکی تالاب و ارتقای معیشت جوامع محلی وارد اجرائی شد. رئیس‌جمهور در حاشیه این مکاتبه تأکید کرده است؛ اقدام مناسبی است. پیگیری شود تا بقیه همکاری‌ها به‌سرعت صورت گیرد.» براساس این دستور، اجرای پروژه احیای تالاب صالحه در چارچوب همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و آکادمی علوم چین، با محوریت سازمان حفاظت محیط‌زیست تسریع خواهدشد.

ادامه سر مقاله

از این رو ۵ جایزه را تعیین کرد؛ برای فیزیک و شیمی و فیزیولوژی یا پزشکی؛ به کسانی جایزه داده شود که مهمترین کشف یا اختراع را کرده باشند. همچنین در ادبیات به کسی که برجسته‌ترین اثر را در «جهت آرمان گرایانه» خلق کرده باشند و بالاخره در حوزه صلح به کسی که بهترین یا بیشترین کوشش را برای «برادری ملت‌ها، براساس تأثیرات کاهش ترس‌ها و برکناری و ترویج کنگره‌های صلح» انجام داده باشند. بعدها اقتصاد را هم دیگران به آن اضافه کردند. اگر خوب نگاه کنیم فلسفه اصلی این جایزه همان کوشش برای صلح است. اگر برای سنجش خدمات پزشکان و فیزیک‌دانان و شیمی‌دانان معیارهای عینی وجود دارد، ولی سنجش بهترین افراد برای ادبیات به‌ویژه صلح قدری پیچیده می‌شود. به همین علت است که بیشترین نقدها به جایزه‌های داده شده در این حوزه بوده است؛ چه جایزه‌ای که به کیسیسینجر دادند و چه آن‌را که به اوباما دادند. اوباما آن اندازه می‌فهمید که خودش را در آن مقطع لایق جایزه ندانسته بود. ولی در دو دهه اخیر این جایزه بیشتر در خدمت نوعی از مبارزه سیاسی قرار گرفته است. بحث این نیست که چنین مبارزاتی خوب است یا بد؟ بحث اصلی آنجاست که سیاست بسیار سیال و پیچیده است. حتی صلح هم همینطور است. نمونه آن انگ سان سجویی است که با گرفتن جایزه صلح تبدیل به وزنه‌ای جلوی نظامیان میانمار شد. ولی همو در کنار نژادپرستان میانماری قرار گرفت تا جنبانی و وحشتناک را علیه اقلیت بنگلادشی رقم بزند و آبروی جایزه‌ای را برد که اجازه پس گرفتنش را هم ندارند. این اشتباه ناشی از تقلیل کوشش برای صلح به مبارزه سیاسی است؛ به‌طوری‌که حتی جنگیدن با کمک خارجیان را هم شامل می‌شود. نگاهی که ظرفیت بالایی برای ستیزه‌جویی و خشونت دارد. آخرین آن دادن این جایزه به خانم ماچادو رهبر اپوزیسیون ونزوئلا است. نفی رژیم‌ها مترادف با تأیید هیچ اپوزیسیونی نیست. آنان باید از طریق ایجابیات خود را اثبات کنند و نه از نفی حکومت‌هایی که با آنها مبارزه می‌کنند. اگر سالها طول کشید تا انگ سان سجوی ضمیر خود را نشان دهد خانم ماچادو یک لحظه هم تأمل نکرد و جایزه را به ضمیر و واقعی‌اش یعنی دونالد ترامپ اهدا کرد و این ضربه سنگینی به کمیته جایزه صلح نوبل بود. صلح‌طلبی بسیار فراتر از مبارزه‌جویی است. به‌ویژه صلح‌طلبان باید نژدطر فداران خود به اصول صلح‌طلبی ملتزم باشند. اگر قرار بود گاندی و ماندلا هم مثل خانم سجویی دنباله‌روی مطالبات مردم‌ستیز و نژادپرستانه آحاد جامعه باشند امروز میراث وحشتناکی از خود بجا گذاشته بودند. جایزه صلح نوبل را برای آینده افراد نمی‌دهند. اوباما هنوز در کاخ سفید مستقر نشده بود که جایزه را گرفت، سپس تحت پوشش مبارزه با تروریسم، بیشترین حجم حملات را علیه افراد و زنان و کودکان خانواده‌های بی‌گناه در افغانستان و سایر نقاط دنیا انجام داد. سجوی نیز همینطور است. عده‌ای نیز می‌برد و این جایزه ابزاری برای ستیز و جنگ می‌شود. اصل اساسی متمایز کردن مرز ظریف میان مبارزه و صلح‌طلبی است؛ مبارزانی که واقعاً صلح‌طلب باشند در تاریخ اندک هستند.